



نقش علوم گوناگون (معارف، هنر، ادبیات و) در هویت یابی کودکان پیش دبستانی

رویا رستی

کارشناس ارشد مدیریت دولتی، مدرس دانشگاه پیام نور واحد کنگان

Roya.ra1392@gmail.com

چکیده

یکی از شیوه های تربیتی مناسب برای رسیدن انسان به کمال، تربیت دینی به دلیل نزدیکی به فطرت انسان است که در متون روایات، سیره و سنت به اهمیت این سبک زندگی و تربیت دینی تأکید بسیاری شده است، این امر به ویژه برای کودکان از جهت تأثیر مستقیم آن بر شکل گیری شخصیت و هویت فردی آنها از اهمیت ویژه برخوردار است. همچنین بهره مندی از زیبایی های ادبیات (متون شعر و داستان) در فرایند هویت یابی کودکان پیش دبستانی به جهت عدم سوادآموزی و توانایی در خواندن و نوشتن، به راحتی محقق نمیشود و این فرایند آنان را از لذات متون زیبای شعر و داستان و نکات ارزشمندی که در آن نهفته است دور می سازد. بنابراین به نظر میرسد میتوان از طریق خواندن متون ادبی نظم و نثر برای کودکان پیش دبستانی با توجه به دایره واژگانی و گستره زبانی و لغوی در آنان، آنها را با این متون ارزشمند و فاخر آشنا نمود و هویت ایرانی اسلامی را در آنها تقویت کرد. مقاله حاضر کوشیده است تا با توجه به ویژگیهای شناختی کودک پیش دبستانی و ضمن تعریفی جامع و گذرا از ادبیات کودک نقش و اهمیت زانرهای آن بویژه معارف و متون دینی، شعر، داستان، قصه، ترانه و .. را در کودکان پیش دبستانی بکاود و به این نتیجه برسد که متون دینی، منظوم و منثور فارسی ذخیرو ارزشمند از داستان و حکایات و ارزشهاست که میتواند برای کودک پیش دبستانی به سادگی قابل شناخت باشد و هویت ایرانی را در او تقویت کند.

کلمات کلیدی: هویت، کودک پیش دبستانی، ادبیات کودک، قالبهای ادبیات کودک برای کودکان پیش دبستانی.

مقدمه

یکی از مقوله های مهم و حیاتی در تعلیم و تربیت با جهانی مکتب اسلام تربیت منطقی و معقول دینی است که مورد توجه بسیاری از صاحب نظران این حوزه قرار گرفته است که به مجموعه تدابیر و روشهایی گفته میشود که برای ایجاد، ابقا و کمال، عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا میشوند. (داوودی، محمد، پاییز و زمستان ۱۳۸۸) در واقع مجموعه اقدامات رفتاری و گفتاری که به تربیت و سامان یابی شخصیت دینی انسان می انجامد را فرایند تربیت دینی مینامند. به عبارت دیگر، تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره های متبرک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها متعهد و پایبند شوند. (داوودی، محمد، ۱۳۹۰) در جامعه اسلامی همواره این روش تربیتی مورد توجه مدیران و مربیان مدارس و مراکز آموزشی قرار گرفته تا زمینه های مناسب برای پرورش عقاید دینی از همان اوایل کودکی فراهم شود و شناخت کافی درباره آموزه های دینی همچون توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد به کودکان در مهدکودک و دانشآموزان داده شود تا زمینه ایمان و اعتقاد آنها به این آموزه ها فراهم گردد؛ چراکه اساس تعلیم و تربیت کودکان بعد از خانواده با مهدکودکها میباشد که اولین پایگاه اجتماعی کودکان در سنین کودکی محسوب میگردد. این امر نه تنها در میان صاحب نظران



فقهی و مسئولان آموزشی کشورهای اسلامی مورد تأکید بوده، بلکه در سایر ادیان نیز تربیت دینی بر پایه اصول و اعتقادات مذهبی تأکید شده است؛ مبنی بر اینکه بایستی به عنوان نمونه مذهب کاتولیک به عنوان با نفوذترین مذاهب در میان جوانان در کشورهای مختلف گسترش یابد و بنابراین، تلاشهای وسیعی در آموزش و پرورش رسمی همزمان با شیوه های سنتی مذهبی در کشورهای مسیحی وجود داشته است. (Thompson, Richy, 2015) یکی از مهمترین مواردی که برای برقراری ارتباط کودک باید مورد توجه قرار گیرد، بحث زبان کودک است. در واقع، برای شناخت کودک باید تجربه های حسی وزبانی او را شناخت و سپس به مولفه های دیگر او شامل توان یادگیری و خلاقیت پرداخت و در تعلیم و تربیت کودک بدان توجه نخستین فیلسوفی بود که به این مهم توجه داشت. او معتقد بود کودکان از نظر استعداد های بالقوه و فطری با هم ،نموند. افلاطون متفاوتند. از آنجایی که دوران کودکی و نوجوانی مهمترین سالهای شکل گرفتن احساس و اندیشه است، کتابهای تصویری و غیر تصویری میتواند برای کودکان در هویتیابی مفید باشد. زیرا اهمیت تصویر برای کودک را برابر با نوشته میدانند و همواره بخشی از پیام خود را به کمک تصویر بیان میکنند و به همین سبب، کتابهای تصویری خردسالان که حتی نوشته ای به همراه ندارند به اندازه کتابهای معمولی با ارزش است. (عزب دفتری، فرشته، ۱۳۸۴)

دوران کودکی و کودک پیش دبستانی

زبان کودک ساده، سریع و دارای پیامی روشن و شفاف است. او از واژگان ساده و درعین حال پرمعنا و نغز استفاده میکند و آن را برای برقراری ارتباط با بزرگتران، به شیرینترین لهجه بکار می گیرد. کودکان در حدود ۵ تا ۶ ماهگی شروع به تلفظ زنجیره ای از هجاها میکنند. آنان تا قبل از این که کلمه ای را بر زبان آورند، با حرکات و اشارات به سوالها پاسخ میگویند. کودک ۶ ماهه تا یکساله زمانی که واژگان او به ۵۰ کلمه رسید شروع به ساختن جملات دو کلمه ای میکند که معمولاً شبیه متون تلگرافی است. تقریباً ۳۰ ماه بعد از این که کودکان اولین جملاتشان را بیان کردند، میتوانند جملات کامل، پیچیده و بزرگسالانه را بکار ببرند. آنها، قبل از اینکه کلمه ای را بیان کنند، میتوانند مفهوم کلمات را بفهمند. از این رو، واژگان درکی در آنان بیشتر از واژگان تولیدیست. در واقع " تکلم کودک منعکس کننده ی تمام عوامل فیزیکی و محیطی است. (احدی، حسن، ۱۳۷۱)

پیاژه کودک را محقق و دانشمند میداند که دست به تجاربی میزند تا وقوع اتفاق را نظاره گر باشد. وی بر پایه مشاهدات خویش، رشد ذهنی کودک را بر اساس اندیشه و استدلال به مراحل تقسیم نمود. مراحلی که هر کدام دارای ویژگیهای خاص خود میباشد. مراحل رشد شناختی کودک از نظر پیاژه عبارت است از :

مرحله حسی حرکتی که تولد تا ۲ سالگی است. خانم تریا قزل ایاغ این مرحله را دوران شیرخوارگی می نامد. در این مرحله کودک با رشد جسمانی، ذهنی، حرکتی، عاطفی و جسمانی روبه رو است که این دوران را دوران پرستاری می نامند. کودک در این مرحله کنجکاو است و به مفهوم پایداری اجسام و اشیا پی میبرد. (قزل ایاغ ، ثریا، ۱۳۸۵)

۱- مرحله پیش عملیاتی که کودکان ۲ تا ۷ سال را شامل میشود. این مرحله را دوره پیش دبستانی نیز مینامند. در این مرحله کودک زبان را می آموزد، اشیاء را بر حسب یک ویژگی طبقه بندی میکند، تفکر کودک در این مرحله خود محور است و به جای دیگران فکر نمیکند. در این سنین کودکان با لمس کردن، دست زدن عمل و تجربه کردن حواسشان و در مجموع از طریق حواس مختلف همه چیز را یاد میگیرند.

مرحله عملیات عینی که کودکان ۷ تا ۱۱ سال را شامل میشود. این مرحله را، دوران دبستانی هم مینامند. از مهمترین ویژگی این مرحله، میتوان به تفکر منطقی درباره اشیا، رویدادها و طبقه بندی آنها برحسب ویژگیها و ابعاد معین اشاره کرد. عملیات صوری یا تفکر انتزاعی. این مرحله رده سنی ۱۱ سال به بعد را در نظر میگیرد، که از آن به عنوان دوره نوجوانی یاد میکنند. در این مرحله، رشد جسمانی با تغییرات جنسی و بلوغ در نوجوانان همراه است.

این مراحل رشد از سه دیدگاه قابل به بررسی است که روانشناسان از آن به دیدگاه رسش گرا، رفتارگرا و شناخت گرا یاد میکنند. و



در این راستا، نقش هنر و ادبیات در هویت‌یابی کودک و نیز باورپذیری او از ارزش‌ها و هنجارها از خاستگاه مهمی برخوردار است، که در این میان تأثیر قصه، شعر، داستان، ترانه و ... در هویت‌یابی کودکان پیش دبستان غیر قابل کتمان است. ادبیات از گذشته‌های دور تاکنون همواره مطرح بوده و شالوده فرهنگ و تمدن هر سرزمینی از طریق آن آشکار می‌شود. دانشی که مجموعه‌ای از آثار ادبی و شاهکارهای ادیبانه توسط آن مورد قضاوت قرار می‌گیرد. آثاری که بیانگر عواطف خالق اثر است و سرشار از تراوشات ذهنی و ترشحات عاطفی نویسنده یا شاعر می‌باشد. ادبیاتی که شامل آثار ادبی یک ملت، سرزمین و یا یک دوره است و به چگونگی تعبیر و احساس، عواطف و افکار هر جامعه می‌پردازد که بوسیله کلمات در اشکال مختلف بیان می‌شود. که در این تعریف، می‌توان ادبیات شفاهی را نیز مد نظر قرار داد. ادبیاتی که داستانها، ترانه‌ها، لالایی‌های یک سرزمین را در خود جای داده و سینه به سینه نقل می‌شود. در واقع در این تعریف، آثار فکری و ادبی در دو بخش شعر و نثر مورد سنجش قرار می‌گیرد، نوشته‌هایی که جایگاه ارزشمندی دارد و غنای فرهنگی هر سرزمین را نشان می‌دهد و دربردارنده زیباترین سخنان و بارش فکری پدید آورندگان است که در کنار آرزوهاشان، دنیای ذهنی خویش را نیز به تصویر میکشند و صور خیال را با آمیزهای از سبک و اندیشه درونی به دیگران انتقال می‌دهند. (حاجی نصرالله، شکوه، ۱۳۸۱)

ادبیات کودک برای کودکان پیش دبستانی

اما ادبیات چگونه می‌تواند برای کودکان کاربرد داشته باشد. بویژه کودکان پیش دبستانی. برای دریافت این مهم ابتدا به تعریف ادبیات کودک می‌پردازیم. در فرهنگ و بستر آمده مجموعه‌ای از نوشته‌ها که به همراه تصویر برای کودکان و نوجوانان تدوین شده ادبیات کودک است. (قزل ایغ، ثریا، ۱۳۸۵) در دائرة المعارف فارسی نیز به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که برای مطالعه اطفال و نوجوانان و به منظور سرگرمی و آموزش آنان فراهم شده. به معنای وسیعتر و درست تر آثاری که از لحاظ لفظ و تعبیر، متناسب با سنین مختلف کودکان و نوجوانان باشد، در زمره این ادبیات است. (قزل ایغ، ثریا، ۱۳۸۵) بنابراین آنچه در آموزش زبان به کودکان پیش دبستانی باید به آن توجه داشت آموزش از طریق اشکال و شبیه سازی است. این روش آموزش نوشتن که روش بسیار موثری است، کودک را به سمت یادگیری اصولی زبان هدایت میکند (بهداد، بهاره، ۱۳۸۱)، زیرا چرخ آموزش اصولی از مهدکودک آغاز می‌شود و در دوره پیش دبستانی ادامه می‌یابد، در این دوران، اکثر کودکان به نوشته‌های اطراف خود توجه میکنند. در واقع، کودکان میتوانند و میبایست قبل از توانایی خواندن با اصول و کارکرد نوشتن آشنا شوند. این مهم از طریق بازی با وسایل کمک آموزشی متداول این حوزه و با لوحهای نشانه‌های زبانی (کلمات، حروف) کتاب‌های آموزشی تامین شوند. (بهداد، بهاره، ۱۳۸۱) بنابراین با توجه به این ضرورت میتوان به این تعریف پرداخت که ادبیات کودک برای کودکان پیش دبستانی ماحصل تلاش هنرمندانه‌ای است که در قالب کلام و تصویر، با زبانی مناسب، ساده و درخور فهم کودک ادا میشود و او را به سوی رشد و تعالی هدایت میکند. در واقع، ادبیات برای کودک از دو مفهوم ادبیات و کودک تشکیل شده که هر دو واژه همدیگر را تکمیل میکنند. به عنوان نمونه، بعضی از متنهای ادبی که از نظر محتوا و فرم، نیازهای کودک را اقماع میکنند، در این نوع ادبیات قرار می‌گیرد. (جی کن چن، ۱۳۹۶)

با توجه به این که زبان و نوع بیان آثار توسط پدید آورندگان ادبیات برای کودک بسیار مهم و تاثیرگذار است، غیر رسمی بودن زبان، یعنی این که آنچه ارائه میشود برای کودک ساده و قابل فهم باشد، دیدنی بودن زبان، یعنی این که حتی مفاهیم انتزاعی برای کودک عینی و مادی شود (مانند دروغگویی در داستان پینوکیو که هر بار دروغ میگفت دماغش درازتر میشد و مفهومی غیر عینی و انتزاعی، برای کودک عینی و ملموس میشد)، امیدبخشی و هماهنگ شدن با محیطی که کودک در آن زندگی میکند و در آخر دور شدن از تعقید و پیچیدگی چه در لفظ و چه معنا، از دیگر ویژگیهایی است که در خلق آثار کودکان باید بدان توجه نمود. آماده کردن طفل برای شناختن دوست داشتن و ساختن محیط، شناساندن طفل به خویشتن، سرگرم کنندگی و لذت بخش بودن، علاقمند کردن طفل به مطالعه و ایجاد مطالعه. (حجازی، بنفشه، ۱۳۸۷)



نقش، ضرورت و کاربرد ادبیات کودک برای کودکان پیش دبستانی

نقش و کاربرد ادبیات برای کودک در زندگی او غیرقابل کتمان است. ادبیات کودک پدیده‌ای هنجار و کارکردی است. این ادبیات خلق می‌شود تا به نیازهای اجتماعی، یعنی تربیت نسل آینده کمک کند. (کرمانی، ۱۳۸۵) لذا آثاری که برای کودکان نوشته می‌شود می‌تواند منجر به نقش معرفتی در او شود. به کودک در شناسایی مناسبات اجتماعی، اندیشه، عواطف احساسات و این که چه چیزی برای گفتن یا شنیدن وجود دارد، یاری می‌رساند. باعث افزایش آگاهی از محیط پیرامون، چگونگی برقراری ارتباط با دیگران، تعامل، همکاری و ... می‌گردد. همچنین نقش عقیدتی از دیگر مقوله‌هاییست که باید بدان توجه داشت. زیرا این نوع ادبی، به طور غیر مستقیم آموزشهایی را برای کودک نهادینه می‌سازد که می‌تواند در زندگی او اثر بخش باشد و بحث خداشناسی، ایمان، آفرینش، تامل در آفریده‌های هستی، پرورش حس دینی و ... از آن دست می‌باشد. نقش زیبایی شناختی و بازآفرینی زیباییهای محیط پیرامون و تفسیر خوبی یا بدی و شناخت احساسات از دیگر مواردیست که باید بدان توجه کرد. ، کسب تجارب و اطلاعات تازه در باره مسائل مختلف، کمک به آموزش و یادگیری زبان ملی، آشنا نمودن کودک به فرهنگ ملی «علاقهمندی به فرهنگ جهانی و تحکیم و تقویت صلح جهانی، پرورش و گسترش توانایی تعبیر و بیان گفتاری و نوشتاری و ذوق هنری، رهبری، تقویت و تربیت نیروی اندیشه برای یافتن فلسفه صحیح زندگی، آشنا ساختن غیر مستقیم کودکان با دنیای خویش و محل زندگی، سهیم کردن کودکان در گذشته و شناخت بهتر گذشته برای درک بهتر از حال و سهیم شدن در آینده، رشد و گسترش رغبت‌های کودکان و ارضای تنوع طلبی نوجوانان، راهنمای اخلاقی کودک بدون اجبار، تنبیه یا تشویق، رشد و گسترش میل اجتماعی و همکاری صادقانه و صمیمانه در کودکان، تربیت شخصیت کودک در اثر ایجاد اعتماد بنفس و استقلال شخصی، ارضای بعضی از نیازهای ذهنی و عاطفی و لذت بردن پاک، کمک به گسترش مطالعه در دوران طفولیت، محک زدن « تجربه های شخصی کودک، حرکات او و اطرافیانش از طریق دیدن تصویری از فرد دیگر توسط کودک. (حجازی، بنفشه، ۱۳۸۷)

اگرچه کودکان فراموش شده در ادبیات کودک، خردسالان ۰ تا ۳ سال هستند اما می‌توان کاربرد ادبیات کودک را در این دوران کوتاه در زندگی آنان لحاظ کرد. کودکان فراموش شده در ادبیات کودک را گروه سنی ۰ تا ۳ سال اند. (حاجی نصرالله، شکوه، ۱۳۸۱) او معتقد است که نوزادان از همان روزهای اول زندگی از تجاربشان بازنمایی می‌سازند که روانشناسان به این بازنمایی ها طرح واره می‌گویند. طرح واره عبارت است از بازنمایی عناصر اصلی موجود در یک واقعه و ارتباط آنها با یکدیگر. طرح واره در تمام دستگاههای حسی اعم از بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه وجود دارد. (حاجی نصرالله، شکوه، ۱۳۸۱) بنابراین با ورق زدن کتاب و شنیدن صدای کتاب و محرکهای گوناگون، رشد کودک پربارتر و شکوفاتر می‌شود و مهارتهای گوناگون در او افزایش می‌یابد. مهارت خوب دیدن، بهتر شنیدن و بیشتر درک کردن. لذا می‌توان برای این دسته از کودکان، با بهره گیری از فرهنگ شفاهی و ادبیاتی که سینه به سینه توسط پدربزرگها و مادربزرگها منتقل شده، ادبیات را به آنان آموزش داد و بدین گروه فراموش شده، توجه ویژه نمود. وقتی کودکی در آغوش مادر به خواب می‌رود، می‌توان او را با ادبیات بومی محلی آشنا ساخت و برایش قصه خواند. بنابراین در این دوره می‌توان کتاب را با شرایط مطلوب کودک مثل زمان شیرخوردن، لالایی خواندن و نوازش کردن توأم کرد تا بازتاب مثبتی نسبت به کتاب پیدا کند. (حجازی، بنفشه، ۱۳۸۷) از این سبب می‌توان ادعان داشت که ادبیات کودکان بی تردید اولین تجربه ادبی کودک است و از این طریق خواننده مفهوم ادبیات را تجربه می‌کند. کتابها کودکان را به قلمرو ادبیات می‌برند.

شعر و کودک پیش دبستانی

نزار قبانی می‌گوید: کودک و شاعر، دو ساحری هستند که به تبدیل هستی به کره ای بنفش و بی وزن قادرند. (ارجی، علی اصغر، ۱۳۹۰) شعر برای کودک تافته ای جدا بافته از شعر بزرگسال نیست. مهمترین چیزی که در شعر کودک باید وجود داشته باشد این است که شاعر کودک دنیای کودک را بشناسد. وقتی کودکی درون انسانها بیدار شود و شعر کودک بتواند این انگیزه را تقویت کند، شاعر کودک موفق عمل کرده است. به قول جعفر ابراهیمی یک شعر خوب می‌تواند قوه تخیل را در کودکان بالا ببرد و ذوق آنها را



پرورش دهد. (فرخ مهر، حسین، ۱۳۸۵) بنابراین ارتباط بین شعر، کودک و اشعار کلاسیک بر کسی پوشیده نیست. حتی لایه‌های (رضی هیرمندی، ۱۳۹۴) زیرساخت شعر کودک، اشعار عامیانه است که سینه به سینه نقل شده و علاوه بر تقویت بُنمایه‌های فرهنگی در بیان ادبیات شفاهی و تبیین آن نقش بسزایی دارد. در واقع، شعر کودک از دل ترانه‌های عامیانه بوجود آمده. شعر کودک در ایران پیش از آن که به دیوان شاعران راه پیدا کند از دل ترانه‌های عامیانه برخاسته است. (باباجانی، علی، ۱۳۹۰) به تعبیر آگینا بارتو شاعر مشهور روسی کودکان و خردسالان مطابق ذهنیت خود از اشعار نتیجه‌گیری میکنند و یکی از مهمترین نتایج، نتایج اخلاقی است. نتیجه‌گیریهای اخلاقی کودکان از شعرها تا آخر عمر با آنها باقی می‌ماند. (بهداد، بهاره، ۱۳۸۱) زیرا تنها از یک راه میتوان کودکان را با روشی جدید به دنیای نوشتن نزدیک کرد. بازی با آواز، شعر، موسیقی، نمایش و تصاویر آن از جمله مواردی است که با جلب توجه کودک ناخودآگاه او را با واحدهای مجزای زبان آشنا میکند. (خدابین، مریم، ۱۳۹۴)

قصه و افسانه برای کودکان پیش دبستانی

علاوه بر شعر، قصه‌ها نیز برای کودکان پیش دبستانی بسیار مهم و ارزشمند است. قصه‌های سنتی که بخشی از ادبیات شفاهی به شمار می‌روند متداولترین گونه‌های ادبی در ادبیات کودک محسوب میشود. ویژگی خاص این قصه‌ها سبب شده است که امروزه نیز کودکان از این قصه‌ها لذت ببرند. زیرا داستانهای خوبی هستند، در سنتی شفاهی خلق شده‌اند، معمولا کوتاه هستند، حرکتی سریع دارند، اغلب طنزآمیزند و تقریبا همیشه پایانی خوش دارند. (علی شاهرودی، فروغ، ۱۳۹۰) و شاید بدین خاطر است که توجه به قصه‌های بومی محلی از اولویت بیشتری برخوردار است. کودک خردسال تا زمانی که به مدرسه بروند با زبان مادری خود سروکار دارند. هرچه می‌شنوند و می‌گویند و می‌آموزند همه در بستر زبان مادری اتفاق می‌افتد. بنابراین بهتر است شعرها و قصه‌هایی که برای آنان فراهم می‌آید به همان زبان مادری کودک که زبانی گفتاری و شنیداری است باشد. (شعبانی، اسدالله، ۱۳۹۴) بنابراین شنیدن قصه و افسانه توسط کودک و افسانه خوانی توسط مادر در رشد و هویت کودک تاثیر بیشتری خواهد داشت. ویرجینیا ویلند کارشناس برجسته ادبیات کودکان از تجربه مادری سخن می‌گوید که امیدوار است فرزندش روزی دانشمند بزرگی شود. او از انیشتن می‌پرسد چه نوع کتابهایی به کودکش بدهد و انیشتن می‌گوید افسانه‌های پریان. مادر می‌پرسد بعد از اینها چه بخواند انیشتن باز می‌گوید افسانه‌های پریان و وقتی مادر اصرار می‌ورزد انیشتن برای بار سوم باز همین را تکرار می‌کند. (قرل ایاغ، ثریا، ۱۳۸۵) بنابراین میتوان پی برد که نقش قصه‌ها تا چه میزان میتواند در رشد و شکوفایی کودک موثر باشد. در حقیقت، قصه و افسانه سرمایه‌ایست پنهان که در ستر زمان ذخیره شده و با تامل در لهجه‌ها و گویشهای گوناگون آنها میتوان هویت آن را دریافت و فرهنگی غنی ساخت. تخیل در افسانه‌ها و قصه‌ها به کودک کمک می‌کند تا آرزوها و رویاهای خود را را تداعی کند. با مرور این قصه‌ها می‌بینیم که آنها تا چه حد با باورهای کودکانه منطبق هستند. اشیاء و پدیده‌ها در این قصه‌ها آثار جادویی دارند. حیوانات سخن می‌گویند، بدکاران مجازات میشوند و قهرمانان قصه‌ها مثل خودکودکان در کانون قصه قرار دارند. نکته دیگری که باید در این قصه‌ها ملاک قرار گیرد ارزشهای خیال‌گرایانه آنهاست. چرا که یکی از ضرورتها برای بکارگیری قصه‌ها دامن زدن به قدرت تخیل کودکان است. (قرل ایاغ، ثریا، ۱۳۸۵) قصه قوه تخیل کودک را افزایش میدهد و ذهن سیال او را به آنچه که فراتر از اندیشه‌های ذهنی اوست، سمت و سو میدهد. قصه‌های عامیانه و افسانه‌ها قوه تخیل کودک را تحریک میکند و آن را به درستی پرورش میدهد. تجربه نشان داده است که کودکانی که از قوه تخیل خوبی برخوردار هستند (به سبب مطالعه افسانه‌ها و کارکرد آنها) در مقابل فیلم‌ها و صحنه‌های خشونت‌آمیز نیز رفتار منطقی تری از خود نشان میدهد. (بتلهایم، برونو، ۱۳۷۹) از طریق قصه ارزشهای اخلاقی، بایدها و نبایدها و حس زیبایی شناسی در او نهادینه میشود. قصه به کودک روح تازه میبخشد و او را به دنیایی که شیرینی و حلاوتی خاص دارد دعوت میکند. دایره لغات به ویژه لغات فولکلور را در کودک غنی ساخته و او را با فرهنگ و زبان مادری آشنا میسازد و قوه تجزیه و تحلیل را در او افزایش میدهد. داستان عامیانه دایره واژگان پایه (لغت) کودک را بیشتر میکند. تجربه ثابت کرده است کودکانی که زیاد قصه شنیده‌اند زمان شروع نوشتن از لغات بیشتری استفاده



میکنند. (عزب دفتری، فرشته، ۱۳۸۴)

افسانه ها برای کودکان جذاب است. آنها میتوانند از طریق خواندن افسانه به چیزهای ارزشمندی دست یابند و دستاوردهای مهمی را در زندگی خود کسب نمایند که دستاورد تفریحی، تربیتی، فرهنگی و سرگرمی بخشی از آنهاست زیرا خواندن و شنیدن افسانه ها برای کودکان بسیار شیرین و لذت بخش است. در دستاورد تربیتی افسانه، کودک با آرزوهای دست نیافتنی و ورود به زندگی عادی آشنا میشود. او جدایی دنیای خیالی و واقعیت را در مییابد و نیازهایش در عالم خیال ارضاء و از پایان خوش افسانه ها با دنیای واقعی و روزمره خود مانوس میشود. دستاورد فرهنگی افسانه باعث میشود که کودک با پیشینه فرهنگی هر قوم آشنا شده، نظام ارزشی، اعتقادی و تاریخی هر قوم و ملت را دریابد و این نقش آفرینی چون یک رسانه به منظور انتقال ارزشها و اعتقادات، کودک را در ارتباط تنگاتنگ با افسانه ها قرار دهد. این فرایند میتواند محکمترین ابزار برای ارتباط بین دو نسل باشد. کودکان در افسانه ها، با آداب، رسوم، سنن، ضرب المثل ها و زبان اقوام و ملتها آشنا میشوند. (علینقی، شیرین، ۱۳۹۱) یکی از راههایی که میتواند هویتیابی را در کودک از طریق داستان و قصه تقویت کند گفتگو (گفت و گو محور) برای کودکان پیش دبستانی است. در خواندن گفت و گو محور فرد بزرگسال به کودک کمک میکند تا قصه گو باشد. بزرگسال به شنونده پرسشگر و مخاطب کودک تبدیل میشود. (وایت هرست، گورچی، ۱۳۹۴) که تکمیل جملات، یادآوری، پرسشهای آزاد، کلمات پرسشی، فاصله بخشی پنج نشانهای است که باید در گفت و گو محور ملاک این فرایند جذاب باشد. همچنین خواندن داستان یا قصه یا شعر به صدای بلند میتواند به فهم آن توسط کودک کمک کند. خوانش قصه و داستان با صدای بلند می تواند باعث شود کودک به جنبه های ظاهری و گاه نهفته در یک متن نیز توجه کند و از آنجایی که به عنوان نمونه کودکان خردسال همگی دوست دارند به داستانهای پریان گوش دهند... اگر داستانتگویی پیوسته تکرار شود درک و فهم کودک را به دنبال خواهد داشت. (دالیا، گالینا، ۱۳۹۵)

ترانه ها برای کودکان پیش دبستانی

نقش ترانه ها بویژه ترانه های بومی محلی نیز در این هویت یابی بی تاثیر نیست. از آنجاییکه قسمت اعظم آثار ادبی فولکلوریک ایران متعلق به کودکان است و اگر ادبیات رسمی بیشتر از آن بزرگترهاست، ادبیات توده بیشتر به کوچکترها تعلق دارد. (حجازی، بنفشه، ۱۳۸۷) از این رو به نظر میرسد که ماندگاری اشعار عامیانه را باید مدیون کودکانمان باشیم چرا که کودکان بهترین طرفداران این گونه شعرها هستند. (ابراهیمی، جعفر، ۱۳۶۸) در حقیقت، ادبیات عامیانه گوشه و کنار ایران و بویژه در ترانه هایی که برای کودکان خوانده میشود قسمت مهمی اختصاص به مطالبی دارد که اگر هم مخصوصا برای انتقال به کودکان نباشد ولی آن چنان زمینه ای دارد که آن را می توان برای خردسالان بازگفت. (حجازی، بنفشه، ۱۳۸۷)

نقش معارف و متون دینی در هویت یابی کودکان پیش دبستانی

از مهمترین عوامل رشد شخصیتی که دین اسلام اهمیت فراوانی برای آن قائل است، شیوه فرزندپروری دینی است که باید از دوران کودکی آغاز شود که سبب افزایش دامنه ارتباط او با مذهب و شکل گیری حالتهای مذهبی در سن هفت یا هشت سالگی میشود؛ به نحوی که در شش یا هفت سالگی میتوان، تظاهرات مذهبی و علاقه به انجام دادن رفتار را در کودک دید؛ به نحوی که عشق و محبت، احترام به خدا و حتی حس شرمساری در قیافه او هم پیدا است. مهمترین دلیل تاکید بر این امر، تأثیر دین بر رشد و ارتقای کودکان، مهارتهای اجتماعی و تمایل به یادگیری آنهاست. (رشیدپور، مجید، ۱۳۸۰) در تحقیقات انجام شده، بیان شده غفلت و کوتاهی در این مرحله از رشد، نسبت به کودک از نظر جسمی، روانی و تربیتی در مراحل بعد جبران آن را مشکل میکند و برعکس با توجه به حساسیت زیاد کودک نسبت به پیرامون خود، بهترین زمان آموزش؛ همین دوره قبل از دبستان است که نفوذ و تأثیر این دوره میتواند دائمی باشد. از این رو استفاده از قصه و داستان برای تربیت فکری و دینی کودکان به ویژه انتقال مفاهیم دینی و اخلاقی به آنها همواره مورد توجه مریبان بوده است. (سرمدی، غلامعلی، ۱۳۹۰)

از طرفی به دلیل اهمیت و ضرورت آموزش پیش از دبستان، سالهای پیش از دبستان در رشد و تربیت کودکان نقش اساسی و تعیینکننده‌ای دارد و به یادگیری عمیقتر، سریعتر و آسانتر کودک کمک کرده و سبب شکوفایی تواناییهای آنان در جنبه‌های مختلف رشد میشود و پایه‌های اصلی شخصیت آنها شکل میگیرد. بر همین اساس بسیاری از پژوهشگران دینی بر وجود آموزشهای دینی در این خصوص تأکید کرده‌اند. به خصوص اینکه در مهدکودک با فراهم کردن محیط مناسب میتوانیم کودک را به شخصیت مؤثر و مثبت فردا تبدیل نماییم که این امر از طریق ارائه برنامه‌هایی است که کودکان را جهت رشد بهتر آنان یاری میرساند. لذا به دلیل اهمیت این مقطع از زندگی کودکان و شکلگیری هویت بعدی آنها وجود برنامه‌های دینی در برنامه‌های مراکز قبل از دبستان الزامی است. (سلیمانی، محمدرضا، عابدینی بلترک، میمنت، فقیهی حبیب‌آبادی، حسین و عشوری مهرنجانی، فروزان، ۱۳۹۵) ورود کودک به مرکز و سالم او به مربیان و دوستانش، شستن دست قبل از غذا، مسواک زدن، کمک به دوستان، خواندن دعا و راز و نیاز با خدا قبل از شروع کارهای روزمره، محبت و احترام به والدین زمانی که از مهدکودک خارج شده و به سوی آنان می‌رود و غیره، جزء مفاهیم دینی است. لذا اختصاص یک ساعت از زمان برنامه‌ها به مفاهیم دینی و فراموش نمودن آن در سایر برنامه‌ها نادرست در برنامه بوده و کارکردهای اصلی دین را برای تربیت کودکان از بین خواهد برد. مثال نقاشی، آیه یا روایتی از این کتاب انتخاب و اجرا شود. یا در زمان بازی، یکی از بازیهای پیشنهادی در این کتاب برای کودکان انتخاب شود.

نقش ادبیات در تثبیت شخصیت و هویت کودکان

در آغاز باید دید که ادبیات کودکان چیست؟

به تعبیری می‌توان گفت ادبیات کودکان متون نو و تازه‌ای هستند که دربردارنده درون و محتوای راستین واژه‌ها برای کودکانند. واژگانی که به منظور تربیت فردی و اجتماعی آنان به گونه‌ای زیبا و هنری بیان می‌شوند و افزون براین، به رشد علمی و فکری و گسترش واژگان و نیز تخیل کودکان کمک میکنند. چنین کاری با گزینش واژگانی که متناسب سن کودک و توان درک و دریافت وی باشد، البته با بهره‌وری از شیوه‌ای زیبا مناسب و رغبت انگیز به فرجام می‌رسد. نکته دیگر آن که ادبیات کودکان چگونه می‌تواند شخصیت آنان را شکل داده یا تثبیت کند؟ پاسخ این پرسش آن است که این مهم به گونه‌ای درونی و درمیان لایه‌های مسائل تربیتی، اخلاقی، علمی، فردی و اجتماعی و به شکل زیبایی که عرضه میشود، پدیدار میگردد. شرایط گزینش قصه برای کودکان از نظر محتوایی قصه باید به کودکان در زمینه پاسخ‌یابی نسبت به پرسش‌هایی که دارد، شامل آگاهی‌های گوناگون، تفسیر مسایل طبیعی به گونه‌ای درست و علمی و دیگر پرسش‌های آنان، کمک کند. هم‌چنین قصه باید تخیل کودکان را تقویت کرده و آنان را در فهم مسایل یاری برساند. قصه عموماً باید پایان خوشی داشته باشد، نسبت به زمان و مکانی که قصه در آن اتفاق می‌افتد، ساکنان آن منطقه، فرهنگ، آداب و رسوم آنان آگاهی‌های مطلوبی در اختیار کودکان قرار دهد. موضوع قصه نیز باید به گونه‌ای باشد که ضمن وجود پیوستگی‌های لازم میان عناصر داستانی، ویژگی‌های فرعی قصه، فکر اصلی و هدف اساسی آن را تحت الشعاع قرار ندهد. هم‌چنان که قصه نباید به مبالغه بیش از حد در زمینه دشواری‌ها، اندوه شدید و بیش از اندازه بپردازد. گستردگی قصه و محتوای آن نباید فراتر از درک و دریافت عقلی کودکان باشد. بدیهی است هرگاه در قصه‌ای در این زمینه‌ها، نکته و مطلب یا فرجام نامناسبی وجود داشته باشد، والدین یا مربیان می‌توانند به تغییر آن مبادرت ورزند یا از کودکان بخواهند که خودشان آن بخش‌ها یا پایان قصه را بسازند و تصویر کنند. هم‌چنین محتوای قصه باید در بردارنده مسایل مورد توجه و علاقه کودکان و مبتنی بر تجربه‌های روزانه آنان باشد. به همین گونه محتوای قصه نباید آموزه‌های اسلامی را نفی کند و سرانجام محتوای یک قصه مناسب برای کودکان باید چنان باشد که آنان را به پرسش و بحث و کنجکاوی و اندیشه‌وادار و تنها به شکل یک خطابه و سخن رانی ارائه نشود. شخصیت در قصه، شخصیت در قصه‌ها نقش مهمی را برای کودکان بازی می‌کنند. در واقع کودکان با شخصیت‌ها همراه و به آنان شبیه می‌شوند و از رفتارشان الگو می‌گیرند. هم‌از این روی باید به هنگام گزینش قصه با دقت به جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شخصیت‌های قصه توجه داشت. مهم‌ترین ملاک‌های مربوط به شخصیت عبارتند از: این

شخصیت ها یا قهرمانان قصه، در جهان کودکان و با آنان آشنا و مانوس باشند و در حقیقت بچه ها با آن ها زندگی کرده باشند. مثلاً از افراد خانواده یا حیوانات یا دوستان کودکان یا از میان گل ها، پرنده ها و درختان و مانند این ها باشند. قهرمان ها و شخصیت هایی که از لحاظ سخن گفتن، خندیدن و گریستن، بازی و سرگرمی و سایر مسایل زندگی به انسان ها شباهت زیادی داشته باشند. دیگر این که تعداد قهرمان ها یا شخصیت ها به اندازه ای باشند که بتوانند در ذهن کودکان تثبیت شده و باقی بمانند. هم چنین این شخصیت ها مطلقاً تمثیلی و مجرد نباشند، بلکه چنان باشند که بتوانند از ناراستی ها و نادرستی ها فاصله گرفته و به سمت و سوی نیکی ها و درستی ها گرایش پیدا کنند و در نهایت به برتری ها دست یابند. هرگاه شخصیت های قصه، از جنبه های خوب و مثبتی برخوردار باشند؛ کودکان قادر خواهند شد که از راه مقایسه، منفی ها و ناپاکی ها و پلیدی ها را بازشناسند و به درستی ها و خوبی ها و پاکی ها روی آورند. هم چنین ضروری است که زنان و مردان قصه در مقاطع و موقعیت های گوناگون، قانون گرا بوده و توانایی حل مشکلات و به کارگیری اندیشه را دارا بوده، برای خانواده اهمیت و احترام قائل باشند و کار و تلاش را ارج نهند. نکته دیگر آن که شخصیت های قصه، کودکان را با انواع خانواده ها مثلاً خانواده های بدون فرزند یا تک فرزند و مانند این ها آشنا سازند. نیز لازم است این قهرمانان بازتاب دهنده راستین گروه های مردم مثل معلولان و بیماران و بیان گر نوع بناها، آداب و رسوم، پیشینه های فرهنگی و مانند این ها باشند. سرانجام، این که شخصیت ها به گونه ای راستین جلوه گر شوند، تنها بر روی یک گروه از مردم متمرکز نشوند و نژادپرستی و تعصب های ناروا را نفی کنند... فعالیت های پس از قصه گویی، بازپرسی از بچه ها در زمینه مسایل مربوط به قصه گفته شده، مانند این که به جز عنوان فعلی قصه، چه عناوین دیگری می توان برای آن در نظر گرفت؟ یا اگر شما به جای فلان شخصیت قصه بودید، چه می کردید؟ و پرسش های دیگری از این دست، از سوی مربی یا قصه گو، می تواند بچه ها را به بیان تجربه ها و ایده های خود درباره موضوع موردنظر تشویق کند. حتی فراتر از موضوع قصه، مربی می تواند با طرح پرسش هایی مثل این که اگر موضوع این قصه مثلاً جشن تولد یکی از بچه ها بود، شما آن را چگونه بیان می کردید؟ یا: اگر مامان وسایل شما را به برادر کوچک ترتان می داد، چه احساسی داشتید؟... به پویایی هرچه بیش تر کودکان و به پرورش توانایی ها و تخیلات آنان، کمک کند، به گونه ای که اگر قصه مثلاً پیرامون پختن غذایی بوده است، نشاط حاصل از آشپزی و تهیه آن غذا، به کودکان منتقل شود! یا اگر قصه درباره سفر با هواپیما بوده، شادمانی حاصل از مسافرت هوایی را در کودکان به وجود آورد. به انجام برخی فعالیت های دیگر در زمینه شناخت شخصیت ها [از طریق بازی بچه ها در نقش آنان] با توجه به مسایل تازه موجود در قصه، هم چون کشیدن تصاویری از قهرمان ها یا مکان وقوع قصه یا رنگ آمیزی آن تصاویر، همچنین برپایی مسابقه یا بازی بر پایه موضوع قصه، نیز می توان اشاره کرد. تشویق کودکان به بازگویی قصه: قصه گو می تواند زمینه های اجرای نمایش موضوع قصه را با دادن نقش های موجود در قصه به کودکان، فراهم سازد، یا از آن بخواهد در جای خود بنشینند و قصه را بار دیگر برای دوستان شان نقل کنند. هم چنین او می تواند با طرح پرسش هایی همانند این که: فلان شخصیت در قصه تو چه کسی بود؟ یا در آغاز قصه چه اتفاقی افتاد؟ پس از آن چه شد؟ چرا فلان شخصیت آن کار را کرد؟... و بچه ها را در تداوم بهره گیری از اهداف قصه گویی و رسیدن به استقلال و توانایی ابراز وجود [از طریق مشارکت در فعالیتی جمعی، توانایی اظهارنظر گسترش زاویه دید و افزایش توجه و...] مدد برساند. به گزارش آراز آذربایجان به نقل از مردمان، از نظر محتوایی قصه باید به کودکان در زمینه پاسخ یابی نسبت به پرسش هایی که دارد، شامل آگاهی های گوناگون، تفسیر مسایل طبیعی به گونه ای درست و علمی و دیگر پرسش های آنان، کمک کند. (نعمتی، جواد)



نتیجه گیری

تربیت درست و اسلامی در شکلگیری ابعاد روحانی و هویتی کودکان نقش مهمی را ایفا مینماید، از اینرو مهد کودک ها به عنوان نهادی آموزشی و پرورشی، نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها و نگرشها و به طور کلی در شکلگیری شخصیت کودکان خردسال دارد. از آنجایی که دوره پیش دبستانی تنها دوره ای است که برنامه ریزی و تولید محتوا در آن کمرنگ است، و باید از آثاری که ثبت و ضبط شده تولید محتوا کرد. کودک پیش دبستانی از طریق قصه ها، شعرها، داستانها و ترانه ها که میشوند به انباشتی از مهارتها دست مییابد و پیامدهای ارزشمندی در زندگی او بوقوع میبویند ک منجر به تقویت هوش فیزونومی در او می شود. با این همه، همیشه چیزی از وجود ما، از گذشته بوده که در گذارۀ تاریخ نه تنها از بین نرفته، کمرنگ نشده، بلکه ساخته و پرداخته شده و هویتی خاص یافته است. درست زمانی که پنجرهای از قصه ها و داستانها، شعرها و ترانه ها مقابل دیدگان کودکانمان گشوده میشود تا آنچه را که فرا گرفته اند به حافظه بسپارند. آن وقت، هر بار که به سراغشان بروی، تو را میپذیرند و کودکی هایت را تکرار میکنند.

منابع

- حاجی نصرالله، شکوه. (۱۳۸۱). نگاهی به ادبیات پیش از دبستان. پژوهشنامه فصل نامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی ادبیات کودک و نوجوان، 30، سال هشتم .
- داوودی، محمد. (۱۳۹۰). تربیت دینی. چاپ سوم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قزل ایغ، ثریا. (۱۳۸۵). ادبیات کودکان و نوجوانان ترویج خواندن تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی .
- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۶۸). کودک و شعر، پویش.
- احدی، حسن. (۱۳۸۷). روانشناسی رشد، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- ارجی، علی اصغر. (۱۳۹۰). مفهوم استعاره خشونت در افسانه ها برای کودکان، کتاب ماه 165، ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب، سال چهاردهم، تیر، شماره نهم .
- باباجانی، علی. (۱۳۹۰). شعر صد ساله کودک، کتاب ماه 138، ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب سال چهاردهم، شماره دوازدهم.
- بتلهایم، برونو. (۱۳۷۹). خشونت در افسانه ها، ترجمه شقایق قندهاری، پژوهشنامه 22، فصل نامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی ادبیات کودک و نوجوان، سال ششم .
- بهداد، بهاره. (۱۳۸۱). آشنایی کودکان پیش دبستانی با نوشتن اولین قدم در شناخت ادبیات. پژوهشنامه فصل نامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی ادبیات کودک و نوجوان، شماره 30، پاییز، سال هشتم .
- جی کن چن. (۱۳۹۶). کتاب کار فعالیت های آموزشی برای کودکان پیش دبستانی و دبستانی، ترجمه مهتری نجار پور سیاهکلی، تهران، انتشارات پادینا.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۷). ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: روشنگران و مطالعات زنان .
- خدابین، مریم. (۱۳۹۴). از دریچه چشم خردسال، پژوهشنامه فصل نامه تحلیلی آموزشی و پژوهشی، دوره جدید، شماره 15، سال هفدهم.
- دالیا، گالینا. (۱۳۹۵). کلید یادگیری، ترجمه افسانه شرقی، تهران: موسسه پژوهشی کودکان دنیا.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۸۰). بیدارسازی حس مذهبی در کودکان، شماره 268 .



رضی هیرمندی. (۱۳۹۴). تناقض گونه ای به نام شعر کودک، پژوهشنامه فصل نامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی ادبیات کودک و نوجوان ۱۴، دوره جدید، سال هفدهم.

سرمدی، غلامعلی. (۱۳۹۰). روانشناسی کودک، جلد 1، تهران، مدرسه عالی پارس.

سلیمانی، محمدرضا، عابدینی بلترک، میمنت، فقیهی حبیب آبادی، حسین و عشوری مهرنجانی، فروزان. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای مؤلفه های دینی در مجلات کودک و نوجوان، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، دوره 11، شماره 23، 7-19.

شعبانی، اسدالله. (۱۳۹۴). هدف غایی شعر آموزش نیست، پژوهشنامه فصل نامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی ادبیات کودک و نوجوان 14، دوره جدید، سال هفدهم.

عزب دفتری، فرشته. (۱۳۸۴). ادبیات کودکان ایران، تهران: فرهنگ سبز.

علی شاهرودی، فروغ. (۱۳۹۰). باردیگر قصه ها طرحی نو بر ساختار کهن، کتاب ماه، ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب سال 14، شماره 9.

علینقی، شیرین. (۱۳۹۱). کودک و نیاز به افسانه، کتاب ماه ۱۸۲ ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب، سال ۱۶، شماره دوم.

فرخ مهر، حسین. (۱۳۸۱۵). باغ آبی، تهران: انتشارات عابد.

کرمانی. (۱۳۸۵). ادبیات عقب مانده بحثی در باره دنیای مدرن و ادبیات کودک و نوجوان، پژوهشنامه 15-16. فصلنامه تحلیلی آموزشی ادبیات کودک و نوجوان، سال نوزدهم.

وایت هرست، گروچی. (۱۳۹۴). کودکان پیش دبستانی نیاز دارند با کتاب تغذیه شوند، مترجم آیدا حق طلب، پژوهشنامه، شماره ۱۶.

Thompson, Richy. (2015). Religion, Belief, Education and Discrimination. The Equal Rights review. Vol 14.